

تجربه زیسته زنان نجات یافته از خودسوزی در بخش کوهنانی- کوهدشت

رحمان باقری^{۱*}، داریوش رضاپور^۲، اسفندیار غفاری نسب^۳

چکیده

خودکشی یکی از آسیب‌های اجتماعی موجود در جوامع مختلف است که به شیوه‌های گوناگونی انجام می‌شود؛ خودسوزی یکی از این شیوه‌های دردناک است. مقاله حاضر با هدف مطالعه تجربه زیسته زنان نجات یافته از خودسوزی در بخش کوهنانی شهرستان کوهدشت، که طی سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۶ به خودسوزی اقدام کرده‌اند، صورت گرفته است. محققان در این پژوهش کیفی از روش پدیدارشناسی تفسیری، نمونه‌گیری هدفمند و تکنیک مصاحبه عمیق با ۱۰ زن برای جمع‌آوری اطلاعات بهره جسته‌اند. همه مصاحبه‌ها ضبط و بلافاصله روی کاغذ نگاشته و با رویکرد تفسیری تحلیل شد. یافته‌های پژوهش، که حاصل استخراج از مصاحبه‌هاست، شامل مقوله‌های «سنت‌گرایی فرهنگی»، «چالش‌های اقتصادی»، «کمبود مهارت‌های ارتباطی»، «خشونت شوهران علیه زنان»، «ناخوشایندی طلاق»، «ابراز خود و رهایی» و «دسترسی آسان به مواد خودسوزی» است. نتایج پژوهش بیانگر تعامل ابعاد مختلف فرهنگی-اجتماعی، اقتصادی و روانی در فرایند اقدام به خودسوزی زنان روستایی و موقعیت‌مند بودن این ابعاد است. در آخر، پیشنهادهایی متناسب با ظرفیت‌های موجود ارائه شد.

کلیدواژگان

اقدام به خودسوزی، تجربه زیسته، زنان روستایی، مشارکت‌کنندگان.

۱. عضو هیئت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور (نویسنده مسئول) bagherirahman26@yahoo.com
 ۲. استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران d.rezapour@gmail.com
 ۳. عضو هیئت علمی دانشگاه شیراز ghafari.na@gmail.com
- تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۹/۱۶، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۸/۱۲

مقدمه

خودکشی یکی از آسیب‌های اجتماعی است که در بیشتر جوامع دیده می‌شود. امیل دورکیم^۱ در اثر معروف خود به نام خودکشی^۲، آن را پدیده‌ای اجتماعی به شمار آورده و چنین تعریف می‌کند: خودکشی عبارت است از هر نوع مرگی که نتیجه مستقیم یا غیرمستقیم کردار مثبت یا منفی خود قربانی است که از نتیجه عمل خویش آگاه بوده و می‌دانسته است که می‌بایست به همین نتیجه برسد [۲، ص ۳۷۶].

آمارها نشان می‌دهد که نرخ خودکشی در جهان به‌ازای هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت، ۱۶ نفر است؛ درحالی‌که ۶۰ درصد موارد خودکشی در آسیا رخ می‌دهند. ایران یکی از کشورهایی است که از نظر میزان خودکشی با همه روش‌ها، با برآورد بروز ۶ نفر در ۱۰۰ هزار نفر، در گروه کشورهای با میزان پایین رده‌بندی می‌شود [۱۵؛ ۲۵؛ ۲۶؛ ۳۱]. با وجود این، مطالعات همه‌گیرشناسی خودکشی در ایران طی دو دهه اخیر نشان داده است که خودکشی و اقدام به آن رو به افزایش است [۸]. خودسوزی^۳، به‌عنوان یکی از شیوه‌های مهلک و زجرآور خودکشی، عمل خودتحمیلی سوزاندن عمدی است. با وجود میزان نسبتاً پایین کل خودکشی‌ها در ایران، میزان ۲/۳ برای هر ۱۰۰ هزار بین سال‌های ۱۹۹۶ و ۲۰۰۳ برای خودسوزی در بعضی مناطق ایران ثبت شده است که بین بالاترین میزان‌ها در جهان قرار دارد. برخی گزارش‌ها حاکی از آن است که ۷۰ درصد همه ارتکاب‌های موفقیت‌آمیز خودکشی‌ها در ایران از طریق خودسوزی انجام شده‌اند [۱۰؛ ۲۶].

برمبنای مطالعات و پژوهش‌های انجام‌شده، میزان خودسوزی در استان‌های غربی ایران زیاد بوده و بیشترین قربانیان جوانان‌اند. بین ۴۳/۱ تا ۷۸/۵ درصد موارد خودسوزی برای زنان خانه‌دار ساکن در مناطق روستایی ثبت شده است [۴؛ ۲۶]. با توجه به نبود آمار کامل و قطعی از خودسوزی، به‌ویژه در مناطق روستایی استان لرستان، و نیز ارائه‌نشدن آن از سوی مسئولان در دستگاه‌های دولتی، آمار و اطلاعات در حد مقالات، مشاهدات و روایات باقی می‌ماند. براساس نتایج به‌دست‌آمده، در شهرستان‌های استان لرستان طی سال‌های ۱۳۸۳ و ۱۳۸۴، ۸۴۳ نفر زن و دختر با روش خودسوزی اقدام به خودکشی کرده‌اند [۱۶]. این آمار مسئله و بحرانی بودن خودسوزی را در شهرها و روستاهای این استان نشان می‌دهد.

طبق آمار فرمانداری کوه‌دشت، جمعیت زنان این شهرستان ۹۶۹ هزار و ۱۲ نفر است که از این تعداد ۱۰ هزار و ۸۹۵ نفر ساکن بخش کوهنایی‌اند. در سال‌های اخیر، میزان خودکشی زنان از طریق خودسوزی افزایش یافته و حدود ۷۵ درصد کل موارد آن را شامل می‌شود. وجود

1. Durkheim
2. *Suicide*
3. self-immolation

سنت‌های فرهنگی و اجتماعی و همچنین زندگی طایفه‌ای و نگاه سنتی به زنان در روستاهای مطالعه‌شده تنگنمایی را به وجود آورده که به طرق مختلف در شکل‌گیری و زمینه‌سازی افکار مرتبط با خودسوزی نقش دارد؛ به طوری که به‌رغم ورود برخی تغییرات و نگرش‌های نو به روستاها، این رسوم بر جایگاه و نقش سنتی زنان تأکید دارند. از جمله می‌توان به سنت‌های مرتبط با ازدواج و طلاق، تقلید و همانندی و... اشاره کرد. لذا می‌توان گفت که آن دسته از عوامل و رسوم فرهنگی که بیش از همه با جایگاه زنان در ارتباطند، خطر خودسوزی را افزایش می‌دهند. با توجه به مطالب ذکرشده، این پژوهش قصد دارد با روشی پدیدارشناسانه و براساس تجربه زیسته زنان روستاهای کوه‌دشت از خودسوزی به تفسیر واقعیت موجود پردازد و به دنبال پاسخ‌گویی به این پرسش‌هاست که زنان چه تجربه‌ای از این وضعیت دارند؟ آن را چگونه درک و معنا می‌کنند؟

ملاحظات مفهومی

محققان کیفی برخوردار از یک چارچوب نظری از قبل تعیین شده را برای تحقیق مضر می‌دانند، زیرا ممکن است محقق را بسیار محدود کند و موجب غفلت او از دیدگاه افراد مطالعه‌شده درباره آنچه در حال وقوع است بشود [۵، ص ۱۷۷ و ۲۴۲]. با وجود این، آن‌ها در تحقیقاتشان از متون نظری صرفاً به‌منزله منابع احتمالی ایجاد سؤال، منبع ثانویه داده‌ها و راهنمای نمونه‌گیری نظری استفاده می‌کنند [۳، ص ۴۶-۵۰]. بنابراین، در این نوشتار، نظریه خودکشی دورکیم برخی دیدگاه‌هایی که قرابت بیشتری با رهیافت تفسیری و کیفی دارند، مانند انگ‌زنی^۱، و مطالعه اروینگ گافمن، پدیدارشناسی و نیز دیدگاه‌های داگلاس^۲ و بیلچر ملاحظات مفهومی تحقیق را تشکیل می‌دهند.

یکی از مفهوم‌پردازی‌های مؤثر تبیینی خودکشی از آن دورکیم است. در این تئوری، دورکیم ضمن انکار نقش و جایگاه عاملیت فردی در خودکشی، آن را به‌منزله شاخصی جهت نشان دادن زوال و نقصان اخلاق، فقدان همبستگی و انسجام اجتماعی، کاهش پیوند و ارتباط مولد و معقولی بین فرد و جامعه و اختلال در کارکرد نرمال و مطلوب کنترل‌کننده‌های اجتماعی و تنظیم‌کننده‌های رفتاری مطرح می‌کند [۱۹]. به باور او، خودکشی امری است بهنجار و طبیعی؛ چون در همه جوامع این واقعیت وجود دارد و می‌گوید: «افزایش ناگهانی میزان خودکشی در برخی از گروه‌های جامعه یا کل جامعه یک رخداد نابهنجار و نشان‌دهنده اختلال‌های نوپدید در جامعه است» [۱۷، ص ۱۹۳].

دورکیم نوع‌شناسی‌ای از خودکشی را صورت‌بندی کرد که بر طبیعت پیوند اجتماعی

1. labeling
2. Douglas

متمرکز بود. او نوعی از خودکشی را خودخواهانه^۱ نامید. زمانی که افراد پیوندهای اجتماعی ضعیف داشته باشند، چیز کمی باقی می‌ماند که بتواند به هنگام افزایش فشارهای روانی مانع خودکشی آن‌ها شود. دورکیم نوع دوم خودکشی را دگرخواهانه^۲ نامیده است. زمانی که افراد هدفی دارند که به دلیل پیوندهای قوی با گروه‌های اولیه و انسجام اجتماعی زیاد برای آن هدف جانشان را فدا می‌کنند. نوع سوم خودکشی نابهنجارانه^۳ است که معلول عدم تعادل، دگرگونی ساختاری، وقفه ناگهانی و شدید یا تغییرات عمیق و سریع در سازمان‌ها و نظام‌های اجتماعی (مانند بحران‌های اجتماعی یا شکوفایی اقتصادی) است [۱۹]. نوع چهارم خودکشی تقدیرگرایانه^۴ یا ناشی از جبرگرایی است. زمانی که جامعه به حد مفراط و شدیدی دست به «ایجاد نظم دستوری» می‌زند و فرد به شدت تحت انقیاد و تقلید اجتماعی قرار دارد و هر چیزی تحدید شده، کنترل شده، منظم، خشک و بی‌روح است؛ در این مواقع، حق‌گزینش از افراد سلب می‌شود و فرد تحت شرایط اجباری نمی‌تواند اهداف و راه‌های رسیدن به آن‌ها را فراهم کند و سرانجام به قضا و قدر تن می‌دهد [۱۴، ص ۷۰].

نظریه دورکیم در مورد خودکشی و به‌ویژه تمرکز او بر خودکشی تقدیرگرایانه می‌تواند به تحلیل خودسوزی در جوامع سنتی و روستایی کمک کند.

رویکرد تفسیری^۵ به معنای رفتار یا کنش انسانی توجه دارد. مردم در زندگی روزمره به دنبال فهم دنیایی هستند که در آن زندگی و فعالیت می‌کنند و معانی ذهنی تجربه‌هایشان را توسعه می‌دهند؛ این معانی متعدد و چندگانه‌اند. دستیابی به آن‌ها جز از طریق تعامل خلاق و فعالانه محقق با مورد مطالعه امکان‌پذیر نیست [۵، ص ۶۸]. در این زمینه، رویکرد انگ‌زنی^۶ از رویکردهایی مورد استفاده در تبیین کج‌رفتاری‌های اجتماعی است و در کنش متقابل نمادین ریشه دارد. اساس و مبنای کج‌رفتاری و انحراف اجتماعی تعریفی است که جامعه از برخی رفتارهای انسان دارد. صفت انحراف اجتماعی، که به کرداری داده می‌شود، به چگونگی تعریف آن کردار در ذهن افراد بستگی دارد [۱، ص ۱۰۱]. طبق این رویکرد، زمانی که شخصی یا وضعیتی انگ خورده باشد، انگ‌زننده معمولاً در موقعیتی قرار دارد که از چنین حالتی بهره می‌برد. انگ‌زننده باید انگی منفی و قدرتی برای چسباندن آن داشته باشد [۷، ص ۱۳۷].

گافمن در کتاب *داع*^۷ (۱۹۶۳) علاقه‌مند بود که شکاف میان آنچه یک شخص واقعاً باید باشد، یعنی همان «هویت اجتماعی بالقوه»، و آنچه یک شخص واقعاً است، «هویت اجتماعی بالفعل»، را

1. egoistic
2. altruistic
3. anomic
4. fatalistic
5. interpretative approach
6. Labeling Theory
7. Stigma

بررسی کند. هرکسی که شکافی میان این دو هویتش باشد، داغ خورده است. در این اثر، گافمن بر کنش متقابل نمایشی میان آدم‌های داغ خورده و معمولی تأکید می‌ورزد. ماهیت این کنش متقابل بستگی به آن دارد که کدام یک از دو نوع داغ بر پیشانی‌اش خورده باشد [۱۱، ص ۲۹۸].

دیدگاه دیگر پدیدارشناسی است که در شناخت ماهیت بزهکاری و جرم بر معنا بخشیدن به جامعه و نظم و انحرافات اجتماعی از طریق کنش متقابل تأکید می‌کند و بر این باور است که در شناخت انحراف نباید آن را به عنوان پدیده‌ای عینی بررسی کرد، بلکه باید به فهم و تفسیر ذهنی بزهکاران و مجرمان توجه کرد. به علاوه، مخاطبان متفاوت ممکن است فهم و تفسیرهای متفاوتی از انحراف اجتماعی داشته باشند [۱، ص ۱۰۶]. بر این اساس، برای تحقیق پیرامون خودکشی، به مثابه یک عمل بزهکارانه و مجرمانه، باید کوشید پیچیدگی‌های درونی آن را به عنوان پدیده‌ای اجتماعی درک و فهم کرد.

داگلاس در کتاب معانی اجتماعی خودکشی^۱ استدلال می‌کند که جامعه‌شناسان باید به آن دسته از منابع اطلاعاتی تمسک جویند که آن‌ها را به دنیای درونی شخصی که خود را کشته است نزدیک کند. این منابع شامل داده‌هایی است از قبیل یادداشت‌های مربوط به خودکشی، گزارش‌های مربوط به زندگی شخصی فرد اقدام‌کننده، یادداشت‌های روزانه، شرح حال و مصاحبه‌های مروری با افرادی که خودکشی ناموفق را تجربه کرده‌اند. در اینجا، هدف گردآوری گونه‌هایی از اسرار درونی، تجربیات دنیای واقعی اقدام‌کنندگان به خودکشی است [۶، ص ۱۰]. وظیفه بعدی جامعه‌شناسی تفسیری جست‌وجوی ابعاد یا الگوهای رایج معناست. به اعتقاد وی، مواردی از قبیل انتقام، استمداد، گریز، ندامت و سماجت از معانی عمومی خودکشی به شمار می‌آیند [۲۴، ص ۸۹].

بیلچر، ضمن تکمیل رویکرد داگلاس، مدعی است که اقدام به خودکشی بیش از آنکه صرفاً یک هدف باشد، وسیله یا شیوه‌ای است که افراد از طریق آن درصدد دستیابی به اهداف خاصی هستند. بنابراین، سؤال مهم این است که افراد به میانجی خودکشی درصدد دست یافتن به چه مسائلی هستند؟ بیلچر، با توجه به تحلیلش از دامنه و سطح اسناد موردی، معتقد است که چهار نوع مفهوم کلی در مورد کنش خودکشی وجود دارد: ۱. گریزنده: هنگامی که خودکشی به عنوان فرار از وضعیتی تحمل‌ناشدنی تلقی می‌شود؛ ۲. پرخاش‌جو: هنگامی که فرد اقدام‌کننده به خودکشی قصد آزار یا جلب توجه دیگران را دارد؛ ۳. ایثارگرانه: خودکشی معطوف به برخی عقاید سیاسی یا اخلاقی است؛ ۴. مضحک: هنگامی که اقدام‌کننده به خودکشی با زندگی و مرگ به قمار می‌پردازد [۲۳، ص ۶۷].

به‌طور خلاصه، در رهیافت تفسیری، تلاش می‌شود تا معنایی که خودکشی برای افراد دارد توصیف و کندوکاو در تجربه درونی، فرد و وضعیت اجتماعی او مدنظر قرار گیرد و از منابعی

استفاده می‌شود که محقق را هرچه بیشتر به دنیای درونی افرادی که به خودکشی اقدام کرده‌اند نزدیک کند.

پیشینه تحقیق

بررسی‌های متعدد داخلی و خارجی نشان می‌دهد که چندین عامل تأثیرگذار وجود دارد که با هم جمع می‌شوند تا خطری برای اقدام به خودکشی را در همه جوامع و فرهنگ‌ها خلق کنند. نتایج تحقیق میلر^۱ و همکاران نشان می‌دهد که اگر میزان حمایت‌های اجتماعی دریافتی نوجوانان از جانب مدرسه، خانواده و دوستان کاهش یابد، احتمال اقدام به خودسوزی افزایش می‌یابد [۲۸]. کاسلو^۲ و همکاران گزارش کردند هرچه آزارهای جسمی و روانی در زنان افزایش یابد، احتمال خودکشی در آنان افزایش می‌یابد و خشونت‌های فیزیکی و غیرفیزیکی اعمال شده از سوی همسر یکی از پیش‌بینی‌کننده‌های خودکشی زنان است [۲۷]. هیرو^۳ و همکاران مهم‌ترین عامل مستعدساز خودکشی جوانان را افسردگی معرفی کرده‌اند و معتقدند عواملی همچون عزت نفس، سازگاری عاطفی و حمایت اجتماعی می‌تواند احتمال خودکشی افراد را کاهش دهد [۲۲].

در ایران، سفیری و رضایی‌نسب در پژوهشی ضمن بیان عناصر عمومی پدیده خودسوزی-از قبیل کم‌سوادی، بیکاری و نظایر آن- به مقوله‌های خاصی نیز اشاره کرده‌اند که عبارت‌اند از: الگوهای جنسیتی، برچسب‌زدن، محرومیت، و افسردگی زنان خودسوز. این مقوله‌ها بیانگر ماهیت چندبعدی پدیده خودسوزی زنان [۱۳] است. نتایج پژوهش یوسفی‌لبنی و میرزایی بیانگر آن است که اکثر زنان خودسوزی کرده متأهل (۵۶/۳ درصد)، روستایی (۶۲/۵ درصد)، خانه‌دار (۵۶/۳ درصد) و دارای تحصیلات ابتدایی (۵۰ درصد) بوده‌اند. خودسوزی بیشتر در گروه سنی ۱۶-۳۰ سال مشاهده شد. دلیل عمده خودسوزی از دید پاسخ‌گویان (۴۴ درصد) نشان‌دادن شهامت و وخامت اوضاع فرد عنوان شده است [۲۱].

زارع شاه‌آبادی و همکاران در پژوهشی درباره اقدام به خودکشی بین زنان شهر آبدانان نشان دادند که زنان اقدام به خودکشی را به‌منزله «راهی برای ابراز و رسیدن به خواسته‌ها» ادراک می‌کنند که در راستای آن سعی دارند به رفتارهای سلطه‌طلبانه، محدودیت‌ها، تهمتها و بدبینی‌ها واکنش نشان دهند و آن را مدیریت کنند [۱۲]. صفری فرامانی و همکاران در پژوهش خود علل اقدام به خودسوزی را شامل چهار گروه زمینه‌های فرهنگی، مسائل روانی، خودسوزی راهی برای بلندکردن فریاد اعتراض و مسائل مادی می‌دانند [۱۵]. طبق نتایج

1. Miller
2. Kaslow
3. Herrero

تحقیق رضایی و همکاران، محدودیت فرهنگی با تأکید بر آداب و سنن ازدواج و مقبولیت فرهنگی با تأکید بر محاورات، معانی و همانندسازی فرهنگی خودسوزی، خرده فرهنگ خودسوزی را تشکیل می دهند [۹]. نتایج پژوهش موسوی و همکاران نیز نشان داده که بین طلاق والدین، خشونت در خانواده، درجه ارتباط کلامی در خانواده، اختلاف میان والدین، مورد اذیت و آزار قرار گرفتن به لحاظ جسمانی، کلامی یا جنسی در دوران کودکی، سابقه اقدام به خودکشی در خانواده یا آشنایان، سابقه مصرف مواد مخدر در خانواده، مراجعه به روان پزشک و اقدام به خودکشی رابطه معناداری وجود دارد [۲۰].

با مروری بر پیشینه داخلی و خارجی می توان گفت که این مطالعات اغلب اقدام به خودکشی با همه روش ها را در میان مردان یا مردان و زنان شهری یا شهری-روستایی بررسی کرده اند. برخی نیز، خودسوزی را از دیدگاه ارائه دهندگان خدمات درمانی انجام داده اند. همچنین، تعدادی دیگر به مطالعه اپیدمیولوژیک موارد خودسوزی پرداخته اند؛ و در نهایت بسیاری از مطالعات پیرامون خودسوزی با روش های کمی انجام گرفته اند. در نتیجه، با توجه به سهم درخور توجه موارد «خودسوزی بین دختران و زنان روستایی»، جنبه نوآورانه پژوهش حاضر این است که منحصرأ به چگونگی درک و تفسیر تجربه زنان روستایی از این وضعیت می پردازد.

روش تحقیق

در این مقاله، از روش شناسی کیفی و رهیافت پدیدارشناسی تفسیری برای گردآوری و تحلیل و تفسیر داده ها استفاده شد. روش کیفی به دنبال درک واقعیت و جهان اجتماعی از دیدگاه افراد است. درک عمیق و جامع «چرایی» و «چگونگی» پدیدارها رسالت پژوهش کیفی است [۲۹، ص ۳۷]؛ هر چند اطلاعات از تعداد محدودی از افراد به دست آمده باشد. وان مانن^۱ معتقد است که پژوهش در جهت تجربه زیسته^۲ (پدیدارشناسی) و تفسیر «متونی» از زندگی فعال است. بنابراین، درحقیقت محوریت تفسیر در پدیدارشناسی تفسیری تجربه زیسته انسان است. تجربه زیسته همان پدیده ای است که به صورت نوشته و متن بیرون آمده است [۳۰، ص ۴].

جامعه مطالعه شده، زنان و دختران ساکن روستاهای بخش کوهنانی از توابع شهرستان کوهدشت است که طی سال های ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۶ خودسوزی ناموفق داشته اند.^۳ معیار انتخاب نمونه ها کسانی بودند که آگاهانه به خودسوزی اقدام کرده، ولی زنده مانده اند، خودسوزی آنها با شواهد پزشکی موجود محرز شده و ضمن داشتن توانایی جسمی و روانی کافی برای بیان تجربیات خود، به شرکت در مصاحبه راضی بودند. گردآوری اطلاعات با استفاده از فن مصاحبه

1. Van Manen

2. lived experience

۳. بنا بر ملاحظات اخلاقی پژوهش، در این مقاله از ذکر دقیق نام دهستان و روستاهای مطالعه شده خودداری شد.

عمیق^۱ و روش نمونه‌گیری هدفمند^۲ انجام شد. با توجه به ارتباط حجم نمونه در پژوهش‌های پژوهش‌های کیفی با سطح اشباع داده‌ها^۳، فرایند مصاحبه با نمونه‌ها تا اشباع داده‌ها ادامه پیدا کرد و در نهایت به ۱۰ نفر رسید. شایان ذکر است مصاحبه‌های این پژوهش در بهار ۱۳۹۷ انجام شد و کل فرایند آن در پاییز همان سال به اتمام رسید.

با عنایت به سابقه سکونت محقق در شهرستان ذکرشده و آشنایی کافی با منطقه و فرهنگ آن، فرایند شناسایی و دستیابی به افراد اقدام‌کننده به خودسوزی دشوار و زمان‌بر نبود. بنا بر ملاحظات اخلاقی، مصاحبه‌شوندگان و خانواده‌های آن‌ها در جریان اهمیت و اهداف تحقیق قرار داده شدند و تضمین داده شد هویت آنان محرمانه باقی بماند. اعلام شد که صحبت‌هایشان ضبط و ثبت می‌شود و در هر مرحله که مایل باشند می‌توانند از انجام مصاحبه خودداری کنند. همچنین، آن‌ها توجیه شدند که می‌توانند درخواست حذف مصاحبه‌های ضبط‌شده را داشته باشند. تلاش شد تا حد امکان فضای مصاحبه در اختیار افراد مطالعه‌شده قرار گیرد. مصاحبه‌ها با سؤالات باز عمومی درباره اقدام به خودسوزی شروع شدند. سپس، به پرسش‌های تکمیلی و غیرمستقیم متناسب با شرایط و تجربیات متفاوت زنان، برای تشویق و دستیابی به توضیحات بیشتر، پرداختیم. همه مصاحبه‌ها به زبان لکی (زبان مادری مشارکت‌کنندگان) انجام شد و مدت‌زمان هر مصاحبه بین ۴۰ تا ۶۵ دقیقه بود.

در این پژوهش، برای تجزیه و تحلیل داده‌ها ابتدا اظهارات مشارکت‌کنندگان ضبط و روی کاغذ نوشته شد. سپس چندین بار از سوی محققان با دقت شنیده و مطالعه شد. برای شناسایی جمله‌ها و مفاهیم کلیدی موجود در متن، متن مصاحبه‌ها خط به خط و کلمه به کلمه بررسی و به هر جمله یا کلمه کلیدی یک کد داده شد و کدهای اولیه مشابه در یک طبقه جای داده شدند تا طبقات اولیه شکل بگیرند. این مفاهیم مجدداً در هم ادغام شدند تا مقوله‌های اصلی را تشکیل دهند. بدین ترتیب، نگارندگان چندین بار نوشته‌ها، کدگذاری‌ها و دسته‌بندی‌ها را برای اصلاح کدها و اطمینان از اعتبار آن‌ها و صحت مفاهیم و مقولات شناسایی‌شده بررسی کردند و اتفاق نظر میان آن‌ها در سطح بالایی بود. همچنین، در آخر، یافته‌ها در اختیار دو نفر از افراد دارای تجربه خودسوزی ناموفق، که در پژوهش مشارکت نداشتند، گذاشته شد و از آنان درخواست شد نتایج را با تجربه خودشان مقایسه و نظراتشان را ابراز کنند و از این‌رو تناسب یافته‌ها رعایت شد.

یافته‌ها

به‌منظور ارائه تصویر ذهنی کامل‌تر از مشارکت‌کنندگان، خلاصه‌ای از مشخصات زمینه‌ای و کلی آن‌ها در جدول ۱ ارائه شده است.

1. in-depth interview
2. purposive sampling
3. data saturation

جدول ۱. مشخصات جمعیت‌شناختی زنان شرکت‌کننده در پژوهش

کد مشارکت‌کننده	سن ^۱	سطح تحصیلات	وضعیت تأهل	وضعیت اشتغال	تعداد فرزندان	سابقه اقدام به خودکشی	زمان وقوع
۱	۴۴	بی‌سواد	متأهل	خانه‌دار	۵	خیر	۱۳۹۰
۲	۳۰	لیسانس	متأهل	خانه‌دار	۱	خیر	۱۳۹۶
۳	۳۲	راهنمایی	متأهل	خانه‌دار	۲	خیر	۱۳۸۸
۴	۳۱	دیپلم	متأهل	خانه‌دار	۲	خیر	۱۳۹۲
۵	۱۵	دبیرستان	مجرد	دانش‌آموز	۰	خیر	۱۳۹۵
۶	۲۱	دیپلم	متأهل	خانه‌دار	۰	خیر	۱۳۸۳
۷	۱۹	دیپلم	متأهل	بیکار	۰	خیر	۱۳۹۴
۸	۱۹	دیپلم	مجرد	بیکار	۰	خیر	۱۳۸۵
۹	۲۵	راهنمایی	متأهل	خانه‌دار	۱	خیر	۱۳۸۶
۱۰	۲۵	لیسانس	متأهل	خانه‌دار	۰	خیر	۱۳۹۴

میانگین: ۲۶

مطالعه حاضر با هدف شناسایی زمینه‌ها، شرایط و انگیزه‌های خودسوزی و نیز چگونگی معنا و تفسیر آن‌ها از دیدگاه مشارکت‌کنندگان در پژوهش انجام شد. بدین ترتیب، در جریان تحلیل و کدگذاری داده‌ها، ۲۷ مفهوم (زیرمقوله) استخراج شد که در قالب ۷ مقوله اصلی دسته‌بندی شد. جدول ۲، مفاهیم و مقولات به‌دست‌آمده را نشان می‌دهد.

جدول ۲. مفاهیم و مقوله‌های عمده

مفاهیم	مقولات اصلی
مردسالاری، ترک اجباری تحصیل، ازدواج تحمیلی، ازدواج دختران در سن پایین، اهمیت طایفه، نظارت غیررسمی شدید، تقلید و الگوگیری در خودسوزی	سنت‌گرایی فرهنگی
بیکاری و نداشتن درآمد، زندگی در خانواده گسترده، کارگری مرد در شهر (تهران)، ناامیدی از بهبود وضعیت مالی	چالش‌های اقتصادی
نزاع‌های خانوادگی، نبود خدمات مشاوره‌ای، تأمین نشدن نیازهای عاطفی زنان، شکست در مدیریت تهدید به خودسوزی	کمبود مهارت‌های ارتباطی
رفتار خشونت‌آمیز مرد، خیانت مرد، خودخواهی مردان	خشونت شوهران علیه زنان
تابو طلاق، فرایند دردرساز طلاق، طرد از سوی خانواده و جامعه پس از طلاق، مشکلات مالی و عاطفی بعد از طلاق	ناخوشایندی طلاق
گریز از شرایط نامطلوب، خودسوزی برای شنیدن صدا، واکنش به تهمت‌ها	ابراز خود و رهایی
در دسترس بودن آتش، دسترسی سریع به مایعات قابل اشتعال	دسترسی آسان به مواد خودسوزی

۱. سن اشاره‌شده در این جدول، سن زمان اقدام به خودسوزی است.

۱. سنت‌گرایی فرهنگی

شرکت‌کنندگان تحقیق چندین عامل را توصیف کردند که از غلبهٔ باورها و رسوم فرهنگی ناشی می‌شوند. عوامل و ارزش‌های فرهنگی پیرامون ازدواج در مناطق روستایی وضعیتی را خلق می‌کنند که ممکن است تعارض‌های خانوادگی درخور توجهی ایجاد کند. از لحاظ فرهنگی، ازدواج زودرس برای دختران یک ارزش است و تأخیر ازدواج یک ملاحظهٔ منفی. علاوه بر این، تصمیم به ازدواج مرسوم و به‌طور گسترده مقبول است. دختران ممکن است مجبور به قبول ازدواج‌هایی شوند که تمایلی به انجام‌دادن آن ندارند. مشارکت‌کنندگان تحقیق معتقد بودند این رسوم باعث شکل‌گیری فضایی می‌شود که در آن دختران جوان زندگی زناشویی‌شان را ناآماده و ناخشنود همراه با پذیرش مسئولیت‌هایی مانند آشپزی، نظافت و اهمیت‌دادن به شوهرانشان شروع می‌کنند. آن‌ها توضیح دادند که نارضایتی ازدواج مبنایی را فراهم می‌کند که می‌تواند تعارض‌های خانوادگی مهم را تشدید کند که گهگاه نقش مهمی در خودکشی ایفا می‌کنند.

مردسالاری: در جامعهٔ مطالعه‌شده، باورهای سنتی مردسالارانه در خانواده‌ها دربارهٔ زنان حاکم است. بدین معنا که زن از هر جهت باید تابع مرد و در خدمت نیازهای او باشد. این نوع نگرش به‌مرور زمان موجب کاهش احساس تعلق زنان به زندگی زناشویی می‌شود. از طرف دیگر، ممکن است زنان و دختران جوانی که به هر علتی با این نوع نگاه مخالفانند با زندگی در کنار این نوع از مردان و خانواده‌ها دچار انواع مشکلات و کشمکش‌هایی شوند و در صورت نبود توانایی برای خروج یا سازگاری با این شرایط، ممکن است برخی از آنان به خودسوزی اقدام کنند. محبوبه^۱ ۳۰ ساله، لیسانس، متأهل و خانه‌دار می‌گوید:

قبل از ازدواج، پدر و برادرم و حتی برادر کوچکم همه رئیس من بودن و فقط دستور می‌دادن. فکر می‌کردم فقط خانوادهٔ من این‌طورن. با ازدواجم فهمیدم که وضع زیاد تغییر نکرده و شوهرم همان طرز فکر و رفتار اون‌ها رو با زن داره (ش ۲).

ترک اجباری تحصیل: یکی از دلایل اصلی خودسوزی دختران ترک اجباری تحصیل و مخالفت خانواده‌ها با ادامهٔ تحصیل آن‌ها در شهر، به‌ویژه برای ورود به دانشگاه، است. علاوه بر این، تحصیلات پایین خود یکی از عواملی است که زمینهٔ بروز عوامل خطرناک برای خودسوزی را فراهم می‌کند. فائزه ۱۹ ساله، دیپلم و مجرد می‌گوید:

... تمام علاقه و فکر و ذکرم شده بود قبولی در کنکور سال ۸۵. روستای ما حدود ۶۰ کیلومتر با شهر کوه‌دشت فاصله داره که امتحان کنکور در اونجا برگزار شد. هم‌کلاسی‌هام عصر روز قبل از امتحان یه مینی‌بوس کرایه کردن و رفتن تا شب امتحان در خونهٔ اقوام در شهر به‌خوبی استراحت کنن. من هم خیلی دوست داشتم با اون‌ها برم، ولی خانواده‌م و مخصوصاً برادر بزرگم اصرار داشت نرم و گفت صبح زود ماشینی

۱. با توجه به رعایت مسائل اخلاقی، در مقالهٔ حاضر از اسامی مستعار استفاده شده است.

دریست می‌کنه و من رو می‌رسونه. صبح که بیدار شدم، دیدم برادرم خونه نیست و پدر پیرم هرچی دنبال ماشین گشت، فایده نداشت. دیگه خیلی دیر شده بود. برادرم ساعت ۱۰ به خونه اومد و حرف‌های همیشگی درباره دانشگاه رفتن دخترها رو تکرار کرد. فوراً به داخل مطبخ (جای پخت نان) در گوشه حیاط رفتم و نفت زیادی روی خودم ریختم تا کبریت رو روشن کردم، برادرم با تشنه بزرگ آب و چیزهای دیگه که از قضا دم دست بودن، نداشت تا برای همیشه راحت بشم (ش ۸).

ازدواج تحمیلی: در جامعه روستایی، ازدواج مبنی بر عشق و علاقه طرفین بار منفی دارد. تعداد زیادی از دختران در برابر خواست خانواده و اطرافیان تسلیم می‌شوند و تن به ازدواج‌های اجباری می‌دهند که زمینه‌ساز مشکلات فراوانی می‌شود و آنان ممکن است خودکشی یا خودسوزی را به‌عنوان نوعی واکنش و اعتراض انتخاب کنند. الهام ۱۵ ساله، دانش‌آموز دبیرستان و مجرد می‌گوید:

اقوام و همکلاسی‌هایم می‌دونستن که من مخالف ازدواجم هستم، ولی پدر و مادرم موافق. یه شب که باز هم بحث ازدواج من شد، بلافاصله تصمیم گرفتم کاری بکنم که به خودشون بیان. محل نفت رو می‌دونستم. کبریت برداشتم و کمی نفت روی لباسم ریختم. برق سکو رو خاموش کردم تا شعله آتیش مشخص باشه و سریع بیان خاموش کنن... ای کاش خانواده‌ها قبل از اینکه اتفاقی بدی بیفته کوتاه بیان و به حرف بچه‌هاشون گوش بدن (ش ۵).

ازدواج دختران در سن پایین: یکی از عوامل خطر ساز خودسوزی، که زنان به آن اشاره داشتند، شوهر دادن دختران در سنین پایین است. الهام ۱۵ ساله، دانش‌آموز دبیرستان و مجرد می‌گوید:

در زمان ازدواج پونزده سال داشتم. نه تنها هیچی از همسر بودن نمی‌فهمیدم، بلکه هیچ علاقه‌ای به خواستگارم نداشتم (ش ۵).

اهمیت طایفه: با توجه به اهمیت بالای «طایفه» و «تیره» در فرهنگ روستاییان، هنوز برخی مسائل و رفتارها با حیثیت و آبروی اقوام و طایفه در ارتباط است. محبوبه ۳۰ ساله، لیسانس، متأهل و خانه‌دار می‌گوید:

شوهرم با یه نفر ارتباط نامشروع داشت. به خاطر دخترم و مخالفت پدرم و ترس از سرزنش‌های اطرافیان، درخواست طلاق ندادم. خانواده خودم و همسر هر دو می‌گفتن باید سکوت کنی، آبروی یه طایفه در میونه (ش ۲).

نظارت غیررسمی شدید: کنجکاوای در امور خصوصی بخشی از خلیقات روستاییان و به‌ویژه بزرگسالان است که در فرهنگ روستایی ریشه دارد. با اینکه تقریباً هیچ نهاد نظارتی رسمی در روستا وجود ندارد، نظارت‌های غیررسمی شدید بر رفتار افراد حریم شخصی آنان را نادیده می‌گیرد. این مسئله رنجش افراد، دعوای خانوادگی و البته به‌صورت غیرمستقیم شکل‌گیری

افکار زمینه‌ساز خودسوزی را به دنبال خواهد داشت که در فرصت مناسب ممکن مرتکب آن شوند. فائزه ۱۹ ساله، دیپلم و مجرد می‌گوید:

اینجا دخترای مجرد و خانم‌های جوون، که شوهراشون برای کارگری به تهران می‌رن، نمی‌تونن دو قدم از خونه دور شن. مردم و مخصوصاً زن‌های همسایه هزار حرف پشت سرت می‌زنن (ش ۸).

تقلید و الگوگیری در خودسوزی: یکی دیگر از جنبه‌های مؤثر بر خودسوزی، که با رسوم و فرهنگ جامعه روستایی مرتبط است، تقلید خودسوزی به‌عنوان یک راه‌حل برای برون‌رفت از مشکلات است. الهام ۱۵ ساله، دانش‌آموز دبیرستان و مجرد می‌گوید:

بین آشناها و همچنین در روستامون دخترهای دیگه‌ای بودن که سر مسئله ازدواج خودکشی یا خودسوزی کردن. هرچند از مرگ نجات پیدا کردن (ش ۵).

۲. چالش‌های اقتصادی

به نظر بعضی از شرکت‌کنندگان، مشکلات اقتصادی و پیامدهای آن یکی از عوامل اصلی خودسوزی است.

بیکاری و نداشتن درآمد: در منطقه مطالعه‌شده، بیکاری و نداشتن درآمد یکی از مشکلاتی است که دامن‌گیر بسیاری از جوانان است که علاوه بر پیامدهای اقتصادی، پیامدهای دیگری برای فرد بیکار و خانواده او، مانند طرد اجتماعی و محرومیت از شبکه‌های تعاملی، دارد. این عامل در خودسوزی زنان مشارکت‌کننده مهم تلقی شده است. زینب ۲۱ ساله، دیپلم، متأهل و خانه‌دار می‌گوید:

وضع زندگی مون خیلی بده. وسایل خونه مون خیلی فقیرانه‌ست. گاهی از طرف بعضی زن‌ها به‌صورت کنایه‌ای و مستقیم مسخره و تحقیر می‌شدم. برای همین رفت‌وآمدم با برخی زن‌های فامیل و همسایه کم شده. اون‌ها هم سراغ من نمی‌آن. از لباس خودم و بچه‌هام خیلی خجالت می‌کشم (ش ۶).

زندگی در خانواده گسترده: امروزه، فقر مالی باعث نداشتن امکانات زوجین جدید از جمله خانه مستقل می‌شود. زندگی چند زن و شوهر در یک خانه مشترک، عاملی زمینه‌ساز برای تعارض و مشاجره دائمی در خانواده است. تا زمانی که خانواده به‌طور معمول در این منزل‌های شلوغ زندگی می‌کنند، ممکن است جای مناسبی برای ایجاد و تداوم دل‌بستگی و پیوندهای عاطفی بین زن و شوهر جدید وجود نداشته باشد. بنابراین، برای عروس‌ها متداول است تا در تکمیل نیازهای عاطفی‌شان پس از ورود به خانواده جدید احساس شکست کنند. این احساسات می‌تواند به نقطه شروعی برای ناراضی‌تی زناشویی تبدیل شوند. کبری ۲۵ ساله، لیسانس، متأهل و خانه‌دار می‌گوید:

من هم مثل خیلی از نوعروس‌ها به دلیل اینکه شوهرم درآمد چندانی نداشت مجبور بودم با خانواده شوهرم زندگی کنم. چهار سال کنار اوها بودم. شوهرم چهار خواهر داشت و به جز یکی که نامزد بود سه خواهر دیگه و مادرش از همون روزهای اول با من رفتار درستی نداشتن. اون‌ها هر لحظه سرزده به اتاق ما می‌اومدن، شب‌ها تا دیروقت کنار تلویزیون ما فیلم نگاه می‌کردن و درک نمی‌کردن که اتاق حریم خصوصیه. این وضع حسابی آزارم می‌داد تا اینکه تصمیم به خودکشی گرفتم (ش ۱۰).

کارگری مرد در شهر (تهران): وضعیت نامساعد اقتصادی، تسهیل‌کننده مهاجرت مردها برای کارگری در شهرهای بزرگ، به‌ویژه شهر تهران، است. آن‌ها توانایی تأمین هزینه‌های زندگی، از جمله رهن و اجاره خانه در شهر، را ندارند. از این رو، ترجیح می‌دهند که به تنهایی مهاجرت کنند و بخش زیادی از سال از خانواده دورند که نگرانی‌های مختلفی برای اعضای خانواده و مخصوصاً زنان به همراه دارد. فاطمه ۴۴ ساله، بی‌سواد و خانه‌دار و دارای پنج فرزند می‌گوید:

شوهر و سه پسر در تهران کارگری می‌کردن. پسرهام در سال یکی دو بار و شوهرم تقریباً هر ماه یک‌بار به روستا می‌اومدن. من و دختر و پسر کوچکم که دانش‌آموز بود بیشتر سال تنها بودیم. از تنهایی در روستا خسته شده بودم... (ش ۱).

ناآمدی از بهبود وضعیت مالی: بر مبنای اظهارات برخی از زنان مصاحبه‌شونده، امید به آینده بین آن‌هایی که شوهرانشان به مدت چند سال درآمد کمی داشتند بسیار پایین بود. آن‌ها آینده را تاریک و سرشار از مشکلات و سختی‌ها می‌دیدند. زینب ۲۱ ساله، دیپلم، متأهل و خانه‌دار می‌گوید:

چند ساله که به سختی زندگی می‌کنیم و فکر می‌کنم بقیه عمرمون هم همین‌طوری خواهد بود که واقعاً تا الان که با شما صحبت می‌کنم هیچ تغییری نکرده... تا کی باید خودم رو قانع کنم که همه چیز درست می‌شه (ش ۶).

۳. کمبود مهارت‌های ارتباطی

در مناطق روستایی، به‌ویژه در روستاهای مطالعه‌شده، که با شهر فاصله زیادی دارند، افراد درباره مهارت‌های زندگی خانوادگی آموزش چندانی نمی‌بینند و کمبود خدمات سلامت روانی در زمینه روابط بین‌فردی، ازدواج و خانواده نمایان است.

نزاع‌های خانوادگی: یک عامل تأثیرگذار بر تداوم نزاع‌های خانوادگی، فقدان اطلاعات درباره اصول سلامت روانی، از جمله مهارت‌های میان‌فردی برای ارتباطات زناشویی و خانوادگی مؤثر است و می‌تواند شرایطی ایجاد کند که در آن زنان، همدلی، گرمی یا درک متقابل در میان اعضای خانواده احساس نکنند. این امور به هر دو روابط زناشویی و روابط والدین-فرزند گسترش می‌یابد. فاطمه ۴۴ ساله، بی‌سواد و خانه‌دار و دارای پنج فرزند می‌گوید:

من و شوهرم سر خیلی از چیزها دعوی زیادی باهم داشتیم؛ حتی جلوی بچه‌ها. فقط من رو مقصر می‌دونست. از این وضعیت خیلی خسته شدم... (ش ۱).

نبود خدمات مشاوره‌ای: در مناطق روستایی، روان‌شناس یا مشاوران خانواده برای ارائه مداخلات مناسب در طول بحران‌های خانوادگی وجود ندارد. گاهی اوقات خودسوزی در طول دعواهای خانوادگی رخ می‌دهد. مداخله در بحران می‌تواند در چنین مواردی مفید باشد. درحقیقت، کمبود این خدمات سلامت روانی یک عامل مهم در خودسوزی افراد است. کبری ۲۵ ساله، لیسانس، متأهل و خانه‌دار می‌گوید:

وقتی که هیچ راهی برای حل مشکلات خانواده وجود نداره... و زنی مثل من که با مشکلات زیادی درگیر هستم ممکنه ناامید شه. تحملم هنگام یه دعوی لفظی و فیزیکی کمه. اگه در خانه بهداشت روستا یا روستاهای نزدیک یک مشاور وجود داشته باشه، می‌تونه وضعیت رو بهتر کنه. شاید کار به خودکشی و خودسوزی نرسه (ش ۱۰).

تأمین‌نشدن نیازهای عاطفی زنان: در این زمینه، رایج‌ترین شکل توصیف‌شده از سوی مشارکت‌کنندگان موقعیتی است که در آن مردان نیازهای سلامت روانی همسران خود را نادیده می‌گیرند. کمبود توجه به نیازهای عاطفی زنان، به مشاجرات و تعارض‌های خانوادگی کشانده می‌شود. برای مثال، سکینه ۲۵ساله با تحصیلات راهنمایی، متأهل و خانه‌دار می‌گوید:

من از زندگی با شوهرم رضایت نداشتم. او مسئولیت‌پذیر نبود. به احساسات من توجه نمی‌کرد و احترام نمی‌داشت. به تدریج با او سرد شدم. اگر با مهربانی با من رفتار می‌کرد، به خودسوزی اقدام نمی‌کردم (ش ۹).

شکست در مدیریت تهدید به خودسوزی: یک جنبه دیگر مسائل رابطه‌ای که از گفته‌های مشارکت‌کنندگان شناسایی شد، شکست در مدیریت تهدید به خودسوزی است. زمانی که زنان نمی‌توانند مسائل خود را حل کنند، آن‌ها برای کنترل محیطشان به خودسوزی تهدید می‌کنند. اگر زنان و مردان در زمینه مهارت‌های ارتباطی و به‌ویژه کنترل خود در هنگام دعواهای خانوادگی، اطلاعات و آموزش کافی داشته باشند، در صورت تهدید به خودسوزی از تحقق یافتن آن از سوی خود یا دیگران جلوگیری می‌کنند. زهرا ۳۲ساله با تحصیلات راهنمایی و خانه‌دار می‌گوید:

روز اتفاق باهم جروب‌بحث طولانی داشتیم. در حال مصرف مواد بود که هرچه گفتم که خودکشی می‌کنم، گوش نمی‌کرد. اومدم داخل حیاط. دیدم کمی نفت داخل ظرفی در کنار بشکه قرار داره. مقداری نفت روی لباسم از کمر به پایین ریختم که ثابت کنم جدی هستم. به محض شعله‌ور شدن آتیش، سریع با دادو فریاد خودم رو به زیر شیر آب رسوندم و شوهرم هم با پتو کمک کرد تا آتیش خاموش شه (ش ۳).

۴. خشونت شوهران علیه زنان

در جامعه مطالعه شده، نقش زنان در امور مختلف خانواده نادیده گرفته می شود و به عنوان امری عادی تلقی می شود.

رفتار خشونت آمیز مرد: برخی از شرکت کنندگان خشونت کلامی و جسمانی شوهرانشان را در خودسوزی دخیل می دانستند. زهرا ۳۲ ساله می گوید:

هروقت درباره مشکلاتمان، مثل بیکاری و اعتیاد یا هر مشکل دیگه ای، حرف می زد، شوهرم یا اصلاً گوش نمی کرد، یا به جروبحث طولانی می کشید که استفاده از کلمه های زشت و دشنام دادن به من با صدای بلند برایش خیلی عادی بود. حداقل ماهی یکبار هم به خاطر همین بحث ها کتکم می زد (ش ۳).

خیانت مرد: در صورت ارتکاب خیانت از سوی شوهر، زنان از یک طرف به دلیل ترس از بی آبرویی سکوت می کنند و از طرف دیگر تحمل این وضعیت برایشان دشوار است. محبوبه ۳۰ ساله، لیسانس، متأهل و خانه دار می گوید:

با اینکه علاقه زیادی به شوهرم داشتم، از زمانی که متوجه ارتباطش با یک زن شدم عشق و علاقه م به نفرت تبدیل شد و کم کم از ادامه زندگی با اون بی میل شدم. با اینکه از مرگ می ترسیدم، اون رو انتخاب کردم (ش ۲).

خودخواهی مردان: یکی از دلایل خودسوزی زنان، خودرایی و بی توجهی شوهر به مشورت زنان درباره امور مهم خانواده است. حدیث ۳۱ ساله، دیپلم، متأهل و خانه دار می گوید:

... بارها به شوهرم می گفتم بیا درباره مشکلاتمون حرف بزنیم، اما اون هیچ وقت توجه نمی کرد... شاید اگر پیش از خودسوزی به خواسته هام یا روز اتفاق به حرف هام توجه می کرد کار به اینجا نمی کشید (ش ۴).

۵. ناخوشایندی طلاق

طبق تعریف، طلاق راه حل اجتماعی پذیرفته شده برای ازدواج هایی است که با موفقیت همراه نیست [۱۸، ص ۱۷۸]؛ حال آنکه در جامعه روستایی به منزله یک تابو نگریده می شود. همچنین، بر زندگی افراد و به خصوص زنان از نظر روانی، اقتصادی و اجتماعی تأثیر منفی می گذارد. گفته های مشارکت کنندگان نشان می دهد که برخی از آنان با پذیرش طلاق به منزله راهی برای فرار از شرایط نامناسب موافق اند، ولی به علل ذیل از طلاق دوری کرده و روندی سازشی- فرسایشی را دنبال کرده اند که این بُعد در خودسوزی زنان نقش مهمی ایفا می کند.

تابوی طلاق: نگرش ها به طلاق به منزله یک تابو عامل دیگری است که مبنایی برای تداوم زندگی همراه با تعارض های خانوادگی همیشگی ایجاد می کند. زنانی که گرفتار این تعارض ها هستند از طرف نزدیکان به تحمل شوهرانشان با هر روش ممکن توصیه می شوند. بنابراین،

آن‌ها احساس می‌کنند هیچ راهی برای گریز و خلاص‌شدن ندارند و تعارض‌های خانوادگی ممکن است حل‌نشده باقی بماند. فاطمه ۴۴ ساله و دارای پنج فرزند می‌گوید:

شوهرم مرد بداخلاقی بود. او خیلی به من طعنه می‌زد. ما برای مدت زیادی باهم اختلاف و درگیری داشتیم. هر بار هم که قهر می‌کردم و به خونه پدرم می‌رفتم، من رو نصیحت می‌کرد که سرنوشت چنین بوده باید بپذیری. اگه طلاق بگیری، هم برای بچه‌ها که به مادر نیاز دارن و هم برای خانواده ما خیلی بده. تو باید بفهمی. من ناتوان و خسته شده بودم؛ نمی‌دونستم باید چه کار کنم (ش ۱).

فرایند دردسرساز طلاق: برخی از شرکت‌کنندگان علاوه بر عدم پذیرش اجتماعی طلاق، فرایند آن را به‌عنوان یک مشکل برای طلاق ذکر کردند؛ مثلاً، کبری ۲۵ ساله، لیسانس، متأهل و خانه‌دار می‌گوید:

درسته که طلاق از نظر مردم این منطقه کار ناپسندیه، ولی حتی اگر حق با زن باشه، پیگیری طلاق و دادگاه و رفت‌وآمدهاش و سؤالات مردم خودش آدم رو آزار می‌ده (ش ۱۰).

طرد از سوی خانواده و جامعه پس از طلاق: این مورد هم از سوی چهار نفر از زنان مشارکت‌کننده در تحقیق اظهار شد. محبوبه ۳۰ ساله، لیسانس و خانه‌دار می‌گوید:

چند سال پیش یکی از دخترهای فامیلون طلاق گرفت. حتی خانواده‌ش اون رو مقصر می‌دونستن و تحویلش نمی‌گرفتن. تحمل سرزنش‌ها و کنایه‌ها خیلی سخته. خودکشی بهتر از اینه که در این سن به‌عنوان بیوه نگاهت کنن (ش ۲).

مشکلات مالی و عاطفی پس از طلاق: برخی علاوه بر دلایل یادشده، نگران پیامدهای اقتصادی و عاطفی طلاق نیز هستند. محبوبه ۳۰ ساله می‌گوید:

می‌دونم طلاق هزار دردسر داره، ولی من بیشتر به خاطر وابستگی به دخترم طلاق نگرفتم... (ش ۲).

همچنین، زهرا ۳۲ ساله و خانه‌دار می‌گوید:

یه زن اگر طلاق بگیره، مردم هزار داستان براش جور می‌کنن. ضمناً زنی مثل من بعد از طلاق پیش چه کسی بره؟ سرپناهم کجاست؟ خرج از کجا بیارم؟ (ش ۳).

۶. ابراز خود و رهایی

از نظر برخی مشارکت‌کنندگان، خودسوزی راهی برای فرار و واکنش به وضعیت ناخوشایند یا جلب توجه است.

گریز از شرایط نامطلوب: سکینه ۲۵ ساله با تحصیلات راهنمایی، متأهل و خانه‌دار می‌گوید:

دعواهای لفظی و کنایه‌های مداوم سه تا جاری که در یه خونه باهم زندگی

می کردیم و نیز اعتیاد شوهرم رو در نظر بگیر و بعد خودت رو جای من بذار، ببین به جز خودسوزی چه راهی پیدا می کنی؟ (ش ۹).

خودسوزی برای شنیدن صدا: برمبنای اظهارات مشارکت کنندگان، اقدام به خودسوزی و به ویژه تهدید به خودسوزی راه حل هایی برای نشان دادن خود و جلب توجه اطرافیان است، زیرا آن ها با واکنش همدردی و دلسوزی از سوی دیگران همراه می شوند. حدیث ۳۱ ساله، دیپلم، متأهل و خانه دار می گوید:

بعضی وقت ها که مردم درباره خودسوزی دخترها و زن های دیگه صحبت می کردن، بعد از اون پیش خودم اون حرف ها رو مرور می کنم. فکر می کنم کسی اون ها رو مقصر نمی دونه و خواسته های اون ها رو درست و بجا تشخیص می دن (ش ۴).

واکنش به تهمت ها: برخی دیگر از مشارکت کنندگان خودسوزی را راهی برای اعتراض به قضاوت های نادرست و تهمت دیگران به خود تلقی می کنند. اگر این تهمت و بدبینی به کرات تکرار شود و از دایره خصوصی و محدود به حیطه عمومی و وسیع تری از جامعه گسترش یابد، استرس و خشم زیادی در فرد ایجاد می کند که گاهی این خشم راهی به بیرون نمی یابد و در قالب اقدام به خودسوزی متوجه خود فرد می شود. لیلا ۱۹ ساله، دیپلم، متأهل و بدون فرزند می گوید:

بعد از عقد با پسر عمه م، یه روز صبح به کرمانشاه رفتیم و در برگشت به زیارت امامزاده محمد رفتیم. عصر که برگشتیم، بابام با صدای بلند بد و بیراه زیادی گفت که همسایه ها و اقوام متوجه شدن. روز بعد، یکی می گفت رفتن بیمارستان جنین رو سقط کنن. دیگری می گفت که دختر فلانی به نامزدش خیانت کرده و دیروز برای رفع اتهام به امامزاده رفته تا قسم بخوره و... اطرافیان بیش از حد من رو فقط برای سفری چندساعته سرزنش کردن و با جرم های محرز دیگران مقایسه می کردن. از این تهمت ها و مقایسه های نابجا [و خطای نکرده] خیلی تحت فشار بودم. تصمیم گرفتم خودسوزی کنم (ش ۷).

۷. دسترسی آسان به مواد خودسوزی

دسترسی آسان به مواد شتاب دهنده تهدیدها و اقدام های به خودسوزی را به مثابه یک راه حل تسهیل می کند، زیرا در مناطق روستایی مایعات قابل اشتعال، مانند نفت، به طور گسترده برای گرم کردن خانه ها و پخت و پز استفاده می شود.

دردسترس بودن آتش: محبوبه ۳۰ ساله می گوید:

نزدیک ظهر که در حال پخت نان (نان محلی) با هیزم و...، باز هم به اون گفتم دیگه تحمل این وضعیت برام ممکن نیست و دارم خودم رو آتیش می زنم و این کار رو کردم (ش ۲).

دسترسی سریع به مایعات قابل اشتعال: زهرا ۳۲ ساله و خانه دار می گوید:

... البته قصد تهدید داشتم. شاید آگه نفت در ظرف آماده در کنارم نبود، این کار رو نمی‌کردم (ش ۳).

بحث و نتیجه‌گیری

مقاله حاضر با هدف مطالعه تجربه زیسته زنان نجات‌یافته از خودسوزی در بخش کوهنایی شهرستان کوهدشت صورت گرفته است. پس از تفسیر مصاحبه‌ها، هفت مقوله اصلی استخراج شد. مقوله اول «سنت‌گرایی فرهنگی» است. به‌طور کلی، فرهنگ روستایی همیشه محدودیت‌های بیشتری برای دختران و زنان قائل است. آنان در بیشتر موارد تحت سلطه مردان‌اند و در مسائل مختلف به اندازه مردان حق انتخاب ندارند. این موضوع جزئی از سنت‌های فرهنگی محسوب می‌شود. نظارت و کنترل غیررسمی ناشی از سنت‌های قدرتمند و احساس بی‌قدرتی در تعیین سرنوشت زمینه‌ساز خودکشی زنان و دختران است. مطابق با یافته‌های یکی از پژوهش‌ها، می‌توان گفت که به دلیل وجود برخی باورهای فرهنگی نادرست، با ادامه تحصیل زنان روستایی مخالفت می‌شود و این علاوه بر سست شدن پیوندهای آنان با اجتماع، کاهش توانایی آنان در برابر مشکلات را به دنبال دارد [۲۱]. در فرهنگ روستایی، اقدام به خودسوزی نوعی تقلید نیز محسوب می‌شود. بدین معنا که اگر فرد پیشینه مشابه با افراد خودسوزی‌کننده داشته باشد، در برخورد با مشکلات مشابه به احتمال بیشتر خودسوزی را انتخاب می‌کند و از آن افراد الگو می‌گیرد. این اجازه می‌دهد خودسوزی از لحاظ فرهنگی به منزله روش خودکشی پذیرفته شده، به‌رغم پیامدهای دردناک و وحشتناک آن، حفظ شود. این یافته با یافته‌های برخی پژوهش‌ها همخوانی دارد [۹؛ ۲۶].

در جامعه مطالعه شده، مردان به دلیل نداشتن شغل و درآمد و همچنین زندگی در خانواده گسترده مجبور به کار در شهرهای دور از محل سکونت خانواده هستند. مطابق با نتایج مطالعه‌ای [۱۳]، تعدادی از افراد خودسوزی‌کرده مشکلات اقتصادی خانواده را بر اقدام خود تأثیرگذار می‌دانستند. بحران‌های مالی ناشی از مشکلات شغلی مرد، با ایجاد فشار اقتصادی و افزایش مشغله کاری و ذهنی مرد بر روحیه مرد و در نتیجه کاهش توجه به خانواده و همسر نقش دارد. علاوه بر این، دوری زن و مرد از هم، به دلیل کارکردن مرد در شهر بر افزایش فاصله همسران و به‌طور کلی بر کیفیت روابط خانوادگی مؤثر است. از این رو، «چالش‌های اقتصادی» نقشی مهم در اقدام به خودسوزی زنان روستایی ایفا می‌کند.

عواملی دیگری مانند «کمبود مهارت‌های ارتباطی» و «خشونت شوهران علیه زنان» می‌توانند از طریق آماده‌سازی شرایط روان‌شناختی باعث وسوسه یا تثبیت فکر خودسوزی در فرد شود. کم‌توجهی به نیازها و خواسته‌های زنان، به‌ویژه نیازهای عاطفی آنان در خانواده و جامعه، خواه‌ناخواه آن‌ها را به سوی رفتارهای غیرطبیعی می‌کشاند. علاوه بر این، افراد ساکن در

محیط‌های روستایی، که از نظر فرهنگی و امکانات آموزشی ضعیف‌اند، در زمینه یادگیری راهبردهای مقابله‌ای نیز توفیق زیادی نخواهند یافت. به همین دلیل، در شرایطی که با مشکلی کوچک روبه‌رو می‌شوند، نمی‌دانند که باید چه واکنشی نشان دهند. وقتی فردی دست به خودکشی می‌زند، بدون هیچ منطق خاصی این کار را می‌کند. فرد در این لحظه به دلیل شرایط استرس‌زا و نداشتن توانایی‌های لازم برای تصمیم‌گیری مناسب راه‌حلی به ذهنش نمی‌رسد. مطابق با برخی پژوهش‌ها، کاهش حمایت‌های اجتماعی خانواده و اطرافیان و نیز دسترسی محدود به خدمات مشاوره‌ای از عوامل زمینه‌ساز خودکشی و خودسوزی زنان است [۱۵؛ ۲۲؛ ۲۶؛ ۲۸]. یافته‌ها نشان داد که مسائل مربوط با مهارت‌های ارتباطی علاوه بر ایجاد تعارض‌های خانوادگی، به‌طور مستقیم به تحقق تهدید به خودسوزی نیز مرتبط‌اند؛ هنگامی که زنان نمی‌توانند مسائل خود را حل کنند، برای کنترل محیطشان خانواده را به خودسوزی تهدید می‌کنند. خطر تهدید به خودسوزی موجب واکنش خانواده می‌شود. درحقیقت، خانواده می‌خواهد خطر را مدیریت کند. مدیریت خطر ممکن است هم برای خانواده و هم برای زنی که به خودسوزی تهدید کرده در کوتاه‌مدت مفید باشد، اما اگر مدت خیلی زیادی طول بکشد، فضای خانواده ناآرام باقی خواهد ماند، خواسته‌های زن برآورده نخواهد شد و خطر تهدید به خودسوزی دوباره آغاز خواهد شد. تکرار تهدید ممکن است باعث تندخویی بیشتر در خانواده بشود و واکنش‌های حمایتی پیشین از تهدید به خودسوزی رخ ندهد. این فرایند می‌تواند احساس ناکارآمدی تهدید به خودسوزی در فرد ایجاد کند. او برای اظهار جدیت خود از تهدید و به دلیل ناامیدی‌اش ممکن است تهدید را به فعلیت برساند. شکست مدیریت خطر تهدید به خودسوزی و ظهور عملی شدن تهدیدها به‌عنوان نتیجه این شکست نشان می‌دهد که خودسوزی نباید به‌طور کامل به‌مثابه عملی ناگهانی در نظر گرفته شود. تعامل بین قربانی و خانواده است که در طول زمان ایجاد خطر خودسوزی را به پیش می‌برد.

«ناخوشایندی طلاق» و مسائل مرتبط موجب قرارگیری زنان در شرایطی بغرنجی می‌شود که انگیزه‌های آنان را برای ادامه زندگی کاهش می‌دهد. مطالعه‌ای [۱۳] نیز یکی از دلایل اصلی خودسوزی زنان متأهل را بی‌پناهی آن‌ها در جامعه در صورت جدایی می‌داند. مطابق یافته‌های پژوهش، برخی از زنان هدفشان از خودسوزی کشتن خود نبوده است، بلکه با این کار به دنبال تأثیر گذاشتن بر اطرافیان و تغییر شرایط و روابط موجود یا اعتراض به آن‌اند. درواقع، خودسوزی شیوه‌ای برای اظهار سرخوردگی با شرایط ناخوشایند ارائه می‌دهد و در دیگران از لحاظ احساسی تأثیر می‌گذارد. همچنین، گاهی تهمت و بدبینی روابط اجتماعی فرد را به‌شدت تخریب می‌کند. به این شکل که فرد از حضور در جمع دوستان و آشنایان گریزان و منزوی می‌شود. برخی از زنان برای تصویری که از خود نزد اطرافیان و همسایه‌ها، به‌ویژه دیگران مهم، دارند ارزش زیادی قائل‌اند و تصور اینکه در این تصویر خدشه‌ای وارد شود، تحمل‌ناپذیر است [۱۲؛ ۱۵].

در مناطق روستایی، دسترسی آسان به مواد خودسوزی مانند نفت، که به طور گسترده برای گرم کردن خانه‌ها و پخت‌وپز استفاده می‌شود، مشکل‌آفرین است. این امر به تنهایی نمی‌تواند به عنوان عاملی اثرگذار بر خودسوزی شناخته شود، بلکه به نوعی نقش تسهیل‌کننده خودسوزی را برای دختران و زنان در هنگام دعاها و خشونت‌های خانوادگی ایفا می‌کند. آنان ممکن است فقط به خودسوزی تهدید کنند، اما گاهی با دسترسی به مایعات قابل اشتعال این تهدید بالفعل می‌شود. در پژوهش‌های دیگر به این مقوله اشاره نشده است.

نتایج نشان داد که برخی از موارد خودسوزی زنان متأهل در منطقه مطالعه شده از نوع تقدیرگرایانه است. به باور دورکیم، خودکشی تقدیرگرایانه از «بی‌قدرتی» فرد ریشه می‌گیرد [۱۴، ص ۷۰]. به عبارتی، به دلیل قدرت شدید هنجارهای اجتماعی، زنان احساس می‌کنند در برخورد با مسائلی که با آنها مواجه‌اند هیچ قدرتی از خود ندارند و قادر به تغییر شرایط و وضعیت موجود نیستند، لذا خودسوزی را به عنوان ابزاری برای رهایی از مشکلات موجود انتخاب می‌کنند. همچنین، تأمل در گفته‌های مشارکت‌کنندگان و تجربه آن‌ها بیانگر آن است که اقدام به خودسوزی زنان روستایی نوعی کنش اجتماعی با معانی «گریز یا گریزنده» و «پرخاش‌جو» نیز به شمار می‌رود. بر مبنای مطالعات نظری و تجربی داگلاس و بیلچر، اقدام به خودکشی ابزاری در جهت دستیابی به مقاصد فردی و جمعی تلقی می‌شود و حاوی معانی اجتماعی متنوعی است. مواردی نظیر گریز: هنگامی که خودکشی به عنوان فرار از وضعیتی تحمل‌ناشدنی تلقی می‌شود؛ پرخاش‌جو: هنگامی که فرد اقدام‌کننده به خودکشی قصد آزار یا جلب توجه دیگران را دارد [۲۴، ص ۸۹؛ ۲۳، ص ۶۷]. نکته مهم اینکه معانی و همانندسازی فرهنگی مرتبط به خودسوزی نمی‌توانند به تنهایی تفکیک شوند، بلکه در یک شیوه چرخه‌ای یکدیگر را تسهیل می‌کنند. به این معنا که، معنای خودسوزی باعث همانندسازی فرهنگی می‌شوند و همانندسازی فرهنگی نگهداری معانی فرهنگی را حفظ می‌کند. علاوه بر این، در جامعه روستایی باورهای فرهنگی غلط باعث انگ‌زدن به قربانیان و خانواده‌هایشان شده است و آن‌ها از «داغ بی‌اعتباری» و «داغ احتمال بی‌اعتباری» رنج برده‌اند؛ مثلاً، زدن انگ «بی‌آبرو» و مشابه آن به دخترانی که در امر ازدواج، عقاید و رفتار نسبتاً آزادانه‌ای از خود نشان می‌دهند از آن جمله است و فرهنگ حاکم بر جامعه مطالعه شده به راحتی چنین رفتاری را نمی‌پذیرد. برچسب‌زدن به زنان و دختران روستایی ایجاد تصویری منفی علیه آنان است. در واقع، اقدام به خودسوزی به عنوان کنشی اعتراضی علیه انگ‌های اجتماعی و باورهای فرهنگی است که این گونه انگ‌ها را مشروعیت می‌بخشند.

در مجموع، نتایج نشان داد که خودسوزی یکی از آسیب‌هایی است که از زمینه‌ها و مسائل متعدد و پیچیده اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و روان‌شناختی تأثیر می‌پذیرد. متأسفانه زنان در خانواده و در فضای بیرون از آن تحت حاکمیت و فشار فرهنگ مردسالاری و دیگر باورهای

فرهنگی غیررسمی اند. این وضعیت موجب می شود زنان ناخواسته از رشد اجتماعی و اقتصادی محروم بمانند. ازدواج اجباری و ازدواج در سنین پایین برای دختران، مخالفت با تحصیل آنان در شهر، ایجاد محدودیت از معاشرت های اجتماعی با اقوام و بستگان شاهی بر این مدعاست. به موازات وضعیت یادشده، جامعه روستایی شاهد رسوخ و شکل گیری نگرش ها و افکار نسبتاً آزادانه در مورد ازدواج و تحصیل، زندگی مستقل و... بین دختران و زنان جوان است که فضای مناسبی را برای اختلاف بین نسل های قدیم و جدید روستایی، و به ویژه نزاع های خانوادگی مداوم، فراهم کرده است. این امر به دلیل رشد سریع مظاهر مدرنیته همچون فراگیری سواد و گسترش رسانه های جمعی در منطقه ای کاملاً سنتی با روستاهای پراکنده همراه با آداب و رسوم قدیمی است. علاوه بر این ها، مسائل اقتصادی نیز تأثیرات منفی خود را مانند بیکاری و کارگری مرد در شهر و دوری او از زن و خانواده به دنبال دارد. همچنین، کمبود اطلاعات و آموزش روستاییان پیرامون مهارت های ارتباطی و نبود خدمات مشاوره ای، به خصوص مهارت حل مشکلات و مدیریت اختلافات، هم وخامت اوضاع را تشدید می کند. بیشتر زنانی که چنین وضعیتی را تجربه می کنند، به علت ناپسند بودن طلاق و پیامدهای اجتماعی، مادی و عاطفی مشکل ساز آن، مجبور به تحمل روندی نامطلوب می شوند. زنان و دختران زیادی به دنبال تجربه چنین وضعیتی از مردم و محیط پیرامون دل زده می شوند و تمایل به برقراری ارتباط و تعامل با دیگران در آن ها به شدت کاهش می یابد. از این رو، روحیه یأس و ناامیدی از آینده بر آن ها چیره می شود. در نتیجه، ضمن داشتن ارزیابی منفی از واکنش های مردم، تنش و اضطراب و افکار زمینه ساز خودکشی در فرد افزایش می یابد و یکی از روش های دردناک و وحشتناک خودکشی، یعنی خودسوزی، را برای تهدید و جلب توجه اطرافیان به مشکلاتشان، تغییر وضعیت و روابط موجود و اعتراض و گریز از شرایط نامطلوب موجود انتخاب می کنند و چاره ای جز این ندارند.

پیشنهادها

- با توجه به پیچیدگی، چندبعدی و موقعیت مند بودن علل و زمینه های اثرگذار بر خودسوزی زنان روستایی، راهکار دقیق و قابل اجرایی که در زمان کوتاهی بتوان برای پیشگیری از خودسوزی زنان روستایی ارائه داد وجود ندارد. در عین حال، در گام نخست می توان بازتوانی و توان بخشی به همه کسانی را که به خودسوزی اقدام کرده و نجات یافته اند در دستور کار قرار داد؛ - برگزاری کارگاه های آموزش مستمر در نقاط روستایی پیرامون مهارت های بین فردی و خانوادگی مؤثر برای عامه روستاییان به ویژه زوجین، در جهت پیشگیری از خودسوزی و انجام دادن مداخلات مفید هنگام تعارض های خانوادگی می تواند راهگشا باشد؛ - می توان با کمک افراد تأثیرگذار محلی، فرهنگیان و... بسیاری از آموزه های سنتی مانند ازدواج های تحمیلی و ناخواسته و ازدواج زوجین با اختلاف سنی زیاد، انگ زدن های منفی به

دختران و زنان و هنجارهای سخت برای رفتار و شیوه زندگی آن‌ها و از این قبیل مسائل را به چالش کشید تا از این طریق افراد فهم بیشتری از تأثیر این سنت‌ها و نقش آن بر خودسوزی کسب کنند؛

- آموزش و تشویق دختران و زنان روستایی به تشکیل و مشارکت در صندوق‌های وام‌دهی بومی، که مبتنی بر شبکه‌ها و پیوندهای غیررسمی همسایگی، خویشاوندی و دوستانه باشند، می‌تواند به درآمدزایی و سهم‌شدن زنان در مخارج خانواده، افزایش قدرت تصمیم‌گیری در خانواده و در روستا، حفظ و تداوم کار گروهی و مشارکتی و گسترش آن به امور دیگر و نیز بهبود باورهای عمومی روستاییان نسبت به زنان و به‌طور کلی دستیابی به سطحی از توانمندی کمک کند که عاملی مهم در پیشگیری از شرایط و افکار زمینه‌ساز خودسوزی به شمار می‌رود.

منابع

- [۱] احمدی، حبیب (۱۳۹۲). *جامعه‌شناسی انحرافات*، ج ۶، تهران: سمت.
- [۲] آرون، ریمون (۱۳۸۴). *مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه‌شناسی*، ترجمه باقر پرهام، تهران: علمی و فرهنگی.
- [۳] استراوس، آنسلم؛ کوربین، جولیت (۱۳۸۷). *اصول روش تحقیق کیفی، نظریه مینایی؛ رویه‌ها و شیوه‌ها*، ترجمه بیوک محمدی، ج ۲، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- [۴] امیرمردادی، فرشته؛ معماری، اشرف‌الملوک و دیگران (۱۳۸۴). «بررسی علل اقدام به خودسوزی زنان متأهل»، فصل‌نامه حیات، س ۱۱، ش ۲۴ و ۲۵، ص ۴۱-۵۰.
- [۵] ایمان، محمدتقی (۱۳۹۳). *فلسفه روش تحقیق در علوم انسانی*، ج ۲، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- [۶] تیلور، استیو (۱۳۷۹). *جامعه‌شناسی خودکشی*، ترجمه رسول ربانی، ابراهیم انصاری و مجید کارشناس، تهران: آوای نور.
- [۷] رایبینگتن، ارل؛ واینبرگ، مارتین (۱۳۹۰). *رویکردهای نظری هفت‌گانه در بررسی مسائل اجتماعی*، ترجمه رحمت‌الله صدیق سروستانی، تهران: دانشگاه تهران.
- [۸] رضایی، آذر؛ خدادادی، زهرا؛ میرمحمدی، لیلا (۱۳۹۰). «رابطه بین افکار ناکارآمد و تمایل به افکار خودکشی در همسران آزاردیده»، فصل‌نامه جامعه‌شناسی زنان، س ۲، ش ۳، ص ۱۲۳-۱۳۸.
- [۹] رضایی، لیبا؛ حسینی، سید علی و دیگران (۱۳۹۴). «چگونگی تأثیر فرهنگ بر اقدام به خودسوزی در زنان»، *مجله دانشکده پزشکی*، دانشگاه علوم پزشکی تهران، دوره ۷۳، ش ۱۱، ص ۸۳۲-۸۳۵.

- [۱۰] رضاییان، محسن (۱۳۹۵). «مروری روایی بر اپیدمیولوژی خودسوزی»، مجله دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان، دوره ۱۵، ش ۶، ص ۵۶۳-۵۷۴.
- [۱۱] ریتزر، جورج (۱۳۸۴). *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، ترجمه محسن ثلاثی، چ ۱۰، تهران: علمی.
- [۱۲] زارع‌شاه‌آبادی، اکبر؛ شفیع‌نژاد، مجتبی؛ مداحی، جواد (۱۳۹۶). «اقدام به خودکشی بین زنان آبدانان: انگیزه‌ها و شرایط»، فصل‌نامه زن در توسعه و سیاست، دوره ۱۵، ش ۳، ص ۴۴۶-۴۲۷.
- [۱۳] سفیری، خدیجه؛ رضایی‌نسب، زهرا (۱۳۹۵). «مطالعه‌ای کیفی از پدیده خودسوزی زنان شهر ایلام»، فصل‌نامه زن و جامعه، س ۷، ش ۱، ص ۱۲۳-۱۴۲.
- [۱۴] شیخاوندی، داور (۱۳۸۶). *جامعه‌شناسی انحرافات و مسائل جامعه‌شناسی ایران*، تهران: قطره.
- [۱۵] صفری فرامانی، رویا؛ خانجانی، نرگس؛ نجفی، فرید (۱۳۹۳). «علل و راهکارهای پیشگیری از خودسوزی در زنان از دیدگاه ارائه‌دهندگان خدمات درمانی: یک مطالعه کیفی»، مجله دانشکده بهداشت و انستیتو تحقیقات بهداشتی، دوره ۱۲، ش ۳، ص ۵۱-۳۷.
- [۱۶] عنبری، موسی؛ بهرامی، اردشیر (۱۳۸۹). «بررسی آثار فقر و خشونت بر میزان خودکشی در ایران؛ مورد مطالعه: روستاهای شهرستان پلدختر»، مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران، س ۱، ش ۲، ص ۱-۲۹.
- [۱۷] کوزر، لیونیس (۱۳۸۵). *زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی*، ترجمه محسن ثلاثی، چ ۱۲، تهران: علمی.
- [۱۸] کوئن، بروس (۱۳۸۸). *مبانی جامعه‌شناسی*، ترجمه و اقتباس غلام‌عباس توسلی و رضا فاضل، چ ۲۲، تهران: سمت.
- [۱۹] محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۷۳). «ملاحظات در باب نظریه خودکشی دور که‌هایم»، نامه علوم اجتماعی، دوره ۷، ش ۷، ص ۱۱۷-۱۴۹.
- [۲۰] موسوی، فریبا؛ سجادی، حمیرا؛ رفیعی، حسن؛ فیضی، آوات (۱۳۸۷). «برخی عوامل خانوادگی مرتبط با اقدام به خودکشی»، فصل‌نامه رفاه اجتماعی، س ۷، ش ۲۷، ص ۷۲-۵۳.
- [۲۱] یوسفی‌لبنی، جواد؛ میرزائی، حسین (۱۳۹۲). «بررسی عوامل مؤثر خودسوزی در بین زنان (مورد مطالعه شهرستان‌های روانسر و جوانرود)»، مجله تحقیقات نظام سلامت، س ۹، ش ۷، ص ۶۷۲-۶۸۱.
- [22] Aradilla-Herrero, A., Tomás-Sábado, J., & Gómez-Benito, J. (2014). "Associations between emotional intelligence, depression and suicide risk in nursing students", *Nurse Education Today*, 34(4), PP 520-525.

- [23] Baechler, J. (1979), *Suicides*, Basil Blackwell, Oxford.
- [24] Douglas, J. D. (1967). *Social meanings of suicide*. Princeton University Press.
- [25] Kanchan, T., Menon, A., & Menezes, R. G. (2009). "Methods of choice in completed suicides: gender differences and review of literature", *Journal of forensic sciences*, 54(4), PP 938-942.
- [26] Khankeh, H. R., Hosseini, S. A., Rezaie, L., Shakeri, J., & Schwebel, D. C. (2015). "A model to explain suicide by self-immolation among Iranian women: a grounded theory study", *Burns*, 41(7), PP 1562-1571.
- [27] Kaslow, N. J., Thompson, M. P., Meadows, L. A., Jacobs, D., Chance, S., Gibb, B., ... & Phillips, K. (1998). "Factors that mediate and moderate the link between partner abuse and suicidal behavior in African American women", *Journal of consulting and clinical psychology*, 66(3), PP 533-40.
- [28] Miller, A. B., Esposito-Smythers, C., & Leichtweis, R. N. (2015). "Role of social support in adolescent suicidal ideation and suicide attempts", *Journal of Adolescent Health*, 56(3), PP 286-292.
- [29] Rich, M., & Ginsburg, K. (1999). "The reason and theme of qualitative research: Why, when and who to use qualitative methods in the study of adolescent health", *Journal of Adolescent Health*, 25, PP 371-378.
- [30] Van Marten, M. (1990). *Researching lived experience. Human science for an action sensitive pedagogy*. New York: State University of New York.
- [31] World Health Organization (2011). Department Of Mental Health And Substance Abuse. "Management Of Mental And Brain Disorders", Geneva.